

ویژه نامه روز دانشجو

به پاس شانزده آذر، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان که روز دانشجو نامگذاری شده است. این دوره از نشریه را به این روز اختصاص داده ایم اما میخواهم نگاهی متفاوت به این روز داشته باشیم. این همه تمجید و افتخار بس است. گول زدن خودمان بس است.

بیاییم خود را با دانشجویان آن سالها مقایسه کنیم. چه بودیم و اکنون چه شدیم. چه ها کردند و چه برداشت میکنند. ما، دانشجویان این مرکز، که تمام دغدغه ها و فکر مشغولی هایمان خلاصه شده در وی فای و صندلی و به طور کلی تر مشکلات رفاهی که به لطف خدا و همت مسئولین قریب به اکثرشان حل شده اند. ما، اگر قرار باشد اعتراضی، انتقادی، بحثی و... باشد اولین ها خواهیم بود بهتر است کمی انگشت انتقادمان را به طرف خود بگیریم و سر از جیب گوشی هایمان برداریم و نه به صورت اعتراض بلکه تفکر. اندکی فکر برای خودمان. که آیا در مقابل این اعتراض ها و نارضایتی ها ما هم وظایف خود را به عنوان دانشجو و از آن والاتر دانشجو معلم انجام میدهم؟ هر کجا استادی درس گفته اند با خسته نباشیدهای نیم ساعت زودترمان جوابشان را داده ایم!! هر کجا فعالیتی بوده فرار کرده ایم!! هر کجا کتاب تمام و کمال تدریس شده انتقاد کرده ایم!! هر کجا کم کاری کرده و کم گرفته ایم صف اعتراض تشکیل داده ایم!! تمام فکر و ذکرمان شده دور زدن امتحان جامع!!

ما مردگان متحرکی هستیم که جز ادعا چیزی نداریم. مایی که قرار است تحولی ایجاد کنیم برای فرزندانمان و جامعه. متفاوت بینیم عمل کنیم. به قول یکی از اساتید اگر آمده ای پشت میز دانشگاه و کلاس بخوابی خانه راحت تر است. روس سخنانشان با ما بود. دانشجویان نه مردگان متحرک ادعا. اندکی به خود بیایم اندکی تأمل کنیم. همه دوست دارند موفق شوند اما فقط عده ی کمی حاضرند بهای آن را بپردازند.

نوشته یگانه امرانی



در این شماره از نشریه موعود می خوانید...



بیوگرافی

پروفسور پریخ دادستان

پروفسور پریخ دادستان تنها روانشناس ایرانی بود که از ژان پیازه پدر روانشناسی شناختی مدرک گرفت. وی یکی از بنیانگذاران روانشناسی نوین ایران است و بسیاری او را مادر روانشناسی ایران می نامند. او در سال ۸۹ درگذشت.

مقاله

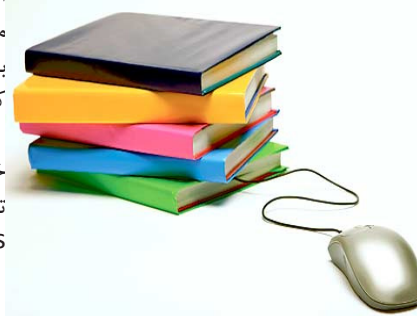
اهمیت و ضرورت برنامه درسی چندفرهنگی در آموزش عالی

چکیده:

اصطلاح چند فرهنگی کفهومی است که در سال های اخیر بیشتر مورد تاکید کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت و برنامه درسی به ویژه جامعه شناسی آموزش و پرورش قرار گرفته است. علومى مانند فلسفه، روان شناسی و جامعه شناسی به عنوان حوزه هایی از علوم بشرى مبانی علمى برنامه درسى را تشکیل مى دهند.

سرمقاله

پانزده سال از قرن بیست و یک میلادی می گذرد و در این مدت علم و علی الخصوص تکنولوژی به اندازه کل حیات بشر در روی کره خاکی پیشرفت داشته است. امروزه زندگی بدون تکنولوژی امری است غیر ممکن و این غیر ممکن برای صنعت تعلیم و تربیت غیرممکن تر به نظر می رسد. (حال چرا آموزش، و پرورش، را با لفظ صنعت به کار بردم باز جای بحث دارد). در هر خانواده شهری و بیشتر خانواده های روستایی می توان رد پای از تکنولوژی را یافت. مخصوصا از زمانی که اپراتورهای تلفن همراه در ایران بسیار رونق گرفت،



در دست هر پیر و جوان و حتی کودک گوشی موبایلی دیده می شود. فرهنگ استفاده از این وسیله تا چه اندازه در بین ما ایرانی ها جا باز کرد خود جای بحث و گفت و گو دارد ولی فرهنگ استفاده از تلنولوژی نوین در بین کودکان در مدارس نیاز به اندیشه فراوان دارد. استفاده از این وسایل در مدارس مشکلات خاص خود را برای ما معلمان ایجاد کرده، مخصوصا بین معلمانى که موافق روند هوشمند سازی

مدارس نیستند و استفاده از آن را تلف کردن وقت کلاس می دانند و یا علم کافی در استفاده کردن از آن را ندارند. در کلاس درس، مشکلات پیچیده تر می شود. من معلم نه می توانم بگویم اسمارت فون، تبلت یا لپ تاپت را سر کلاس بیاور و نه می توانم بگویم نه!!! با کمی تفکر به این نتیجه می رسیم که امروزه آموزش بدون این وسیله ها امکان ندارد. از طرفی نگران از این که آیا دانش آموزان من می توانند از این وسایل به طور صحیح استفاده کنند یا نه...

آمارى از کشور های خارجى در استفاده از تکنولوژى در مدارس: Top 10 Growth Rates By Country:

- India: %55
- China: %52
- Malaysia: %41
- Romania: %38
- Poland: %28
- Czech Republic: %27
- Brazil: %26
- Indonesia: %25

فاطمه محمدزاده



این سخن را با جمیع کسانی می گویم که در زندگی اش از نعمت وجود مادر برخوردارند. این نعمت را قدر بدانید. قبل از آن که از فقدانش محزون گردید. این سخن را با کسانی می گویم که از نعمت وجود مادر محرومند. همیشه به یاد داشته باشید که چقدر به خاطر شما رنج و درد تحمل کرده است و از خداوند متعال برای او طلب رحمت و بخشش نمایید.

مادر دوست دارم. خدایا او را غریق بحر رحمت خود فرما همانطور که مرا از کودکی تحت پرورش خود قرار داد.

تاج از فرق فلک برداشتن
جاودان آن تاج بر سر داشتن
در بهشت آرزو ره یافتن
هر نفس شهدی به ساغر داشتن
روز در انواع نعمت ها و ناز
شب بتی چون ماه دربر داشتن
صبح از بام جهان چون آفتاب
روی گیتی را منور داشتن
شامگه ، چون ماه رویا آفرین
ناز بر افلاک و اختر داشتن
چون صبا در مزرع سبز فلک
بال در بال کبوتر داشتن
حشمت و جاه سلیمان یافتن
شوکت و فر سکندر داشتن
تا ابد در اوج قدرت زیستن
ملک هستی را مسخر داشتن
بر تو ارزانی که ما را خوشتر است
لذت یک لحظه مادر داشتن.

نوشته مژگان قاسمی



خوی نامه

بازار قدیمی خوی

موقعیت : مابین خیابان طالقانی و امام

بازار قدیمی شهرستان خوی در ضلع شرقی شهر حد فاصل خیابان های انقلاب طالقانی قرار گرفته است. بازار قدیمی خوی مربوط به زمان صفویه به بعد می باشد، اما شالوده اصلی بازار خوی به زمان زندیه و قاجار می رسد. چون پادشاهان صفویه بخاطر نزدیکی به مرز عثمانی و کنترل ایلات و عشایر مرزنشین توجه زیادی به این شهر نموده اند و این بازار به دستور احمد

خان دنبلی ساخته شده است و گاهی از آن بعنوان پایتخت تابستانی استفاده می نموده اند. در زمان حکومت زندیه و قاجار نیز بخش های مختلفی به بازار خوی افزوده شد. در حال حاضر این بازار از چند راسته بازار سرپوشیده و سراها و چهارسوقها تشکیل شده است. مصالح بکار رفته در ساختمان بازار خوی عموماً از آجر با ملات گچ و خاک منظور شده و تمام کار توام با سادگی و در بعضی قسمت ها با نمای سنگی در چهار سوقها روبرو می شویم. این بازار شامل مجموعه آثار مختلفی از جمله سرای میرهاشم، سرای خان، مسجد حاجی بابا، دروازه سنگی و ... است. این بازار بعلاوه حوادث طبیعی مثل زلزله صدمات زیادی دیده است. چنانچه در حال حاضر بازار خوی از زمان زندیه به بعد مخصوصاً بیشتر قسمتهای آن بدستور عباس میرزای قاجار ساخته شده و آثار اهک روی گرمابه محمد بیگ یادآور تزئینات گرمابه وکیل در شیراز می باشد.

این بازار شکلی مستطیلی دارد و به سبب نوسازی و گسترش شهر خوی در چند دهه اخیر و عدم توجه به آثار پر ارزش و ذیقیمت باستانی شهرمان که یادگاری از عظمت و شکوه گذشته است، دخل و تصرف فراوانی در آن به عمل آمده ولی آن مقدار از بافت قدیمی بازار که باقیمانده، بسیار با ارزش و جالب توجه می باشد. با توجه به ویژگی های معماری، اقلیمی بازار خوی، مانند بازارهای اصفهان، کرمان، اراک، فاقد تزئینات خاص گچ بری و کاشی کاری و کتیبه می باشد، تنها در بعضی قسمت ها، مخصوصاً در چهار سوهایی آن نظم و دقت قابل توجهی در کاربرد و رگه چینی آجر، به کار رفته است. از قسمت های قابل توجه این مجموعه این است که، هر کدام از راسته ها، مربوط به شغل معینی بوده و به نام همان شغل، مانند: مسگر بازار، بورکچی بازار، زرگر بازار، خرازی بازار، فرشچی بازار و یا به نام اشخاص خیر که در عمران و آبادی بازار، نقش مؤثر داشته اند، مانند: امیر، جواد، حاجی بابا و معروف بوده است که هم اکنون نیز نام های قدیمی را دارند. بازار اصلی این مجموعه اقتصادی بازار امیر و بازار جوادیه است.

حمام هایی نیز در این مجموعه قرار گرفته است، مانند: ائل حمامی در قسمت شرق و چسبیده به میدان قپان (خشکبار) و محمد بیگ، در اول بازار، از طرف خیابان انقلاب و در جوار مسجد ملا حسن، که از حمام های زیبا و سنتی خوی هست، با تزئینات و گچ بری های زیبایی که همانندش را می توان در شیراز، مانند گرمابه وکیل دانست.

به کوشش زهرا بابازاده

مقاله این شماره، اختصاص پیدا کرده به مقاله استاد مددلو، در شماره های آینده از مقالات استادان دیگر نیز چاپ خواهد شد.

اهمیت و ضرورت برنامه درسی چندفرهنگی در آموزش عالی

چکیده:

اصطلاح چند فرهنگی مفهومی است که در سال های اخیر بیشتر مورد تاکید کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت و برنامه درسی به ویژه جامعه شناسی آموزش و پرورش قرار گرفته است. علومی مانند فلسفه، روان شناسی و جامعه شناسی به عنوان حوزه هایی از علوم بشری مبنای علمی برنامه درسی را تشکیل می دهند و هر کدام به نوبه خود در فرآیند درسی اعم از طراحی، اجرا و ارزشیابی موثر می باشند. در بین این موارد، مباحثی نظیر فرهنگ، خرده فرهنگ، چند فرهنگی، آداب و رسوم و سنتها که سهم بیشتری دارند به مبنای جامعه شناختی موضوع مربوط می گردد چرا که موضوع چند فرهنگی زمینه های وابسته آن بیشتر با مطالعات جامعه شناختی پیوند خورده است. آنچه در این نوشتار دنبال آن هستیم، این است که تعیین شود چرا پرداختن به طراحی برنامه های درسی مبتنی بر چند فرهنگی تا چه میزان ضرورت دارد؟ و عواملی که این ضرورت را ایجاب می کند کدامند؟ موافقان و مخالفان چه دلایلی بر این موضوع دارند؟ برای پاسخ به سوالات از کتب و مقالات متعدد اندیشمندان مختلف و تجارب خود با مروری بر متون و محتوا و اسناد موجود تلاش شده تا به سوالات مورد نظر پاسخ های منطقی ارائه گردد. یافته ها نشان می دهد؛ ارتباط فرهنگ و خرده فرهنگ و توجه به آموزش های چند فرهنگی به ویژه در مراکز آموزش عالی در طراحی و اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی نه تنها ضرورت دارد بلکه توجه به فرهنگ و چند فرهنگی باعث می شود که برنامه درسی با تجارب واقعی زندگی نزدیک شد هر مینه را برای یادگیری و به دنبال آن آموزش اثربخش فراهم کند. همچنین پرداختن به موضوعات مختلف چندفرهنگی زمینه بروز خلاقیت و نوآوری ها، ایجاد بستر مناسب مقایسه فرهنگ ها برای جوانان در جهت هویت یابی، از بین بردن پدیده زشت نژاد پرستی و از همه مهمتر عمل به فرمایش نص قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۱۳ می باشد که توجه به جنسیت (زن و مرد) و اقوام و قبایل مختلف را نوعی شناخت محسوب می نماید.

واژگان کلیدی: چند فرهنگی، برنامه درسی، آموزش عالی

قهرمان مددلو، محمد حسین یار محمدیان

من یک کاناپه معمولی هستم. نه خیر، شکسته نفسی نمی‌کنم. از چی درست شدم؟ از کمی چوب، چند تا فنر، کمی موی اسب و مختصری پارچه. حالا خواهید گفت: «اما این دروغ محض است. هرچه باشد، بالاخره تو آن کاناپه معروفی.» خب بله. درست است. وقتی نزدیک به نیم قرن جزو وسایل درمان یک روان‌کاو کار کرده باشی، یک چیزهایی هم به تو اضافه می‌شود: خون، عرق و اشک. اشک خاطرات و عرق کار سخت ذهنی. قضیه خون یک مورد خاص بود. بعدا بیش‌تر درباره‌اش خواهم گفت و وقتی این روان‌کاو نه یکی از این روان‌کاوان معمولی، بلکه زیگموند فروید باشد، در اینصورت شاید هم واقعا کاناپه، یک کاناپه معمولی نباشد. موافقم، اسمم را بگذارید: کاناپه معروف. در کمال تواضع و فروتنی البته و حالا که این قدر دوستانه می‌پرسید، بله، می‌توانم یک چیزهایی درباره استاد تعریف کنم. می‌خواهید بشنوید؟ پس بفرمایید بنشینید و راحت باشید!!!

... پروفیسور پی برد که تمدن بشر او را خوش بخت نکرده است. بشر تمدن را به وجود آورده بود تا کمی از دست بلایای طبیعی، بیماری و مرگ احساس امنیت کند. اما حالا تمدن او را مجبور می‌کند از غرایز حیوانی اش چشم‌پوشد. و انسان از این خوشش نمی‌آید. به جبران، به جای گزین های محقرانه ای چون کار، عشق یا الکل پناه می‌برد و می‌کوشد از طریق حل شدن در توده، شوربختی های خصوصی اش را از یاد ببرد!!!

خاطرات کاناپه ی فروید/ کریستیان موزر/ مترجم: ناصر غیائی



گاهنامه دانشجویی موعود

مرکز آموزش عالی شهید مطهری خوی و بسیج
دانشجویی شهرستان خوی

مدیر مسئول: قهرمان مددلو

مدیر اجرایی: راضیه سیدی

نویسندگان: گروه فعالان در عرصه نشریه دانشجویی

آدرس وب سایت:

www.motahari.cfu.ac.ir

ایمیل نشریه:

mouoodnameyekhoy@gmail.com

نشانی مرکز: خوی، بلوار آیت الله خویی، نرسیده به پل
خاتون، روبروی بازارچه مرزی رازی

شماره تماس: ۰۴۴-۳۶۴۶۹۳۳۷

مناظره استاد و دانشجو

گفتم غم فزون است، گفتا ز من چه آید
گفتم که نمره ام ده، گفتا ز من نیاید
گفتم که نمره دادن بسیار سهل آید
گفتا ز ما اساتید این کار کمتر آید
گفتم کرم نمایید من را کنید شما شاد
گفتا که خوش خیالی کی وقت آن بیاید
گفتم که نمره هفت بدبخت عالم کرد
گفتا اگر برای آن هم زیادت آید
گفتم خوشا دهی که دست شما دهد آن
گفتا تو کوشش کن کو وقت آن بر آید
گفتم دل رحیمت کی قصد رحم دارد
گفتا نگو با کس تا وقت آن بر آید
گفتم زمان تحصیل دیدی که چون سر آید
گفتا خموش جانم از دست من چه آید



پروفسور پریخ دادستان تنها روانشناس ایرانی بود که از ژان پیازه پدر
روانشناسی شناختی مدرک گرفت.
وی یکی از بنیانگذاران روانشناسی نوین ایران است و بسیاری او را مادر
روانشناسی ایران می‌نامند. او در سال ۸۹ درگذشت.

بخشی از دفتر خاطرات پروفسور پریخ دادستان:

در دو سالی که در سوئیس درس می‌خواندم نود درصد غذای من نان و پنیر
بود. سوئیس کشور گرانی بود.

رساله ام با پیازه بود و او روش و سخت گیریهای خاص خودش را داشت.
وسع مالی نداشتم با این وجود دوره لیسانس را به جای چهار سال سه ساله
خواندم. روز امتحانی که با پیازه داشتم سر جلسه از شدت گرسنگی در حال
از هوش رفتن بودم. امتحان شش ساعت طول می‌کشید و من دو روز بود
که چیزی نخورده بودم.

خانه من درست نقطه مقابل دانشگاه آن سوی دریاچه ژنو بود. صبح پول
نداشتم با قایق از رودخانه رد شوم برای همین از ۵ صبح پیاده راه افتاده
بودم تا به موقع به امتحان برسم. دو ساعتی که از امتحان گذشت دیدم در
حال از هوش رفتن هستم و ممکن است فرصت موفقیت را از دست بدهم.
در این شرایط سخت، به دلیل طولانی بودن امتحان اندکی استراحت دادند.
وسيله پذيرايی آوردند اما من پولی برای خرید نداشتم. مغزم قفل کرده بود.
دوستی یونانی داشتم. پرسید: چرا چیزی برنداشتی؟ غرورم اجازه نداد بگویم
پول ندارم؛ گفتم میل ندارم.

دوستم نگاهی به من کرد و گفت: بی خود! چند ساعته داری فکر می‌کنی
باید چیزی بخوری. و خودش برایم یک کیک و قهوه خرید و مرا نجات داد.
من آن امتحان را با نمره خوبی قبول شدم.

بعد از اتمام تحصیلاتم پیازه که از پشتکار من خوشش آمده بود پیشنهاد داد
که زیر نظر مراکز تحقیقاتی او کار کنم.
او می‌گفت: ما تو را برای ایران ساختیم. نرو!
اما من گفتم شما امثال من زیاد دارید ولی مملکت من ندارد و من باید
برگردم.

بعد از آن هر سال به دیدنش می‌رفتم و او می‌گفت: اگر پشیمان شدی
برگرد. ولی من هرگز پشیمان نشدم.

منبع: مؤسسه یادنگار یادمانه

پ.ن: دکتر پریخ دادستان، متولد ۱۳۱۲ هجری شمسی استاد دانشگاه تهران،
چهره ماندگار و از برجسته ترین چهره های آکادمیک کشور در حوزه روان
شناسی، روز شنبه ۲۲ آبان ۸۹ (۱۳ نوامبر ۲۰۱۰) در تهران درگذشت

